

دانشگاه‌های فلسطینی در کرانه غربی و نوار غزه

تجربه دانشگاهی یا عملی چه خواهد بود؟

ارزیابی آموزش عالی در سرزمینهای

اشغالی

Antony T. Sullivan, "Palestinian

Universities in the West Bank and Gaza

Strip," *The Muslim World*, Vol.

LXXXIV, no. 1-2, January-April 1994.

در آغاز «انتفاضه»، در کرانه باختری و

نوار غزه شش مؤسسه آموزش عالی

(در سطح لیسانس) وجود داشت: بیرزیت،

بیت لحم، الخلیل، النجاج، القدس و

دانشگاه‌های اسلامی غزه. در ۱۹۹۲،

دانشگاه الازهر غزه به عنوان مؤسسه‌ای

مستقل از دانشگاه اسلامی غزه، به لحاظ

اجرایی، تأسیس شد، هر چند ملک آن متعلق

به دانشگاه الازهر قاهره است.^۲ علاوه بر این،

از ۱۹۹۱، نوعی دانشگاه مکاتبه‌ای در شرق

بیت المقدس تأسیس شده که در حال حاضر،

مرکزی برای آموزش از راه دور دایر کرده

است.

دانشگاه النجاج در نابلس، به منظور

تربیت مدرس تأسیس شده است. بجز بخشی

از دانشگاه الخلیل، تمام دانشگاه‌های

فلسطین فرصتهایی را برای داوطلبان ورود به

دانشگاه جهت فراگیری دروس پیشرفته در

زمینه علوم و دوره‌های غیر تخصصی

اختصاص داده‌اند. بیرزیت، بیت لحم و

با شکل‌گیری قیام فلسطینی‌ها بویژه

«انتفاضه»، در دسامبر ۱۹۸۷، مشکل بتوان

تجزیه و تحلیلی بی طرفانه از موفقیتها،

مشکلات، مسائل مهم فکری مؤسسات

آموزش عالی اعراب در مناطق اشغالی

کرانه غربی و نوار غزه ارائه داد.

تعطیل اجباری این مؤسسات (قریب ۴ سال)

از سوی اسرائیل، زیرزمینی شدن تحصیلات

را در مقطع آموزش عالی در پی داشت. این

روند از ۱۹۸۸ آغاز شد. به نظر می‌رسد

هرگونه بحث درباره دانشگاه‌های فلسطینی

باید در جهت فعالیت سیاسی و تلاش آنها در

راستای ایجاد یک ساختمان ملی بر طبق

استاندارهای عملی موجود باشد.^۱ حال،

باید دید این روند تا چه حد بر تعهد سیاسی

استادان و دانشجویان تأثیر خواهد گذاشت و

النجاح در رشته های اقتصاد و مدیریت بازرگانی دانشجویی پذیرند. همچنین بیرزیت و النجاح دارای دوره های عالی و فوق تخصصی در رشته های مهندسی هستند. در زمینه آموزش تکنولوژی پزشکی و پرستاری در دانشگاههای بیت لحم و القدس رشته هایی ایجاد شده است. برنامه درسی این دانشگاهها شباهت زیادی به برنامه کالجهای آمریکایی دارد. در حقیقت، آنها بصراحت اعلام می کنند که در شیوه تدریس در سطوح عالی از کالجهای آمریکایی به عنوان الگو استفاده می نمایند. زبان اصلی در رشته مهندسی و علوم در دانشگاههای فلسطین انگلیسی است. در رشته های علوم انسانی و اجتماعی نیز زبان عربی به طور معمول استفاده می شود. در واقع، دانشگاههای فلسطینی، بجز در رشته زبان و ادبیات و منتخبی از دروس فرهنگی، با عربی کردن کامل دوره های تحصیلی و استفاده از زبان عربی به طور مطلق مخالف هستند.^۳

از ۱۹۶۷، تمام دانشگاههای فلسطینی را در سرزمینهای تحت اشغال اسرائیل فلسطینی ها تأسیس کرده اند (در مقطع لیسانس). آنها نه تنها هیچگونه حمایت مالی از اسرائیل دریافت نداشته اند. بلکه ملزم به پرداخت مالیات برای استفاده از وسایل و تجهیزات خود نیز هستند. و این در حالی است که دانشگاههای اسرائیلی نه تنها از پرداخت مالیات معاف اند، بلکه کمک هزینه نیز دریافت می کنند. از طرفی، دولت اردن هیچگونه مالیاتی را بر مؤسسات آموزش عالی فلسطینی وضع نکرده است.

بیشتر دانشگاههای فلسطینی تا قبل از ۱۹۷۰ دبیرستان بوده اند. در مورد دانشگاه اسلامی غزه نیز این نکته قابل ذکر است که برنامه آموزشی آنها تنها به الهیات و حقوق اسلامی منحصر می شد.

در دهه ۸۰، شهریه مؤسسات آموزش عالی از ۶۰ دلار آمریکا به ۷۶۰ دلار برای هر ترم تحصیلی افزایش یافت. برای هر ۱۴ دانشجوی یک استاد وجود داشت. از این لحاظ این مؤسسات در میان کشورهای عربی، پس از عربستان سعودی، در رتبه دوم قرار داشتند. در ۱۹۹۳، تعداد دانشجویان فلسطینی که در مؤسسات آموزش عالی ثبت نام کرده بودند، بالغ بر ۱۷ هزار نفر بود که میانگین سنی آنها در کرانه غربی و

نوار غزه بالاتر از دانشجویان دیگر کشورهای عرب بود.

سوی اسرائیل در ۱۹۶۷ فعالیت جنبشهای آزادی بخش فلسطین در کشورهای خارج کاهش چشمگیری یافت. دست کم عده ای از آنها پس از اتمام تحصیلات خواهان بازگشت به میهن خود بودند. اما بر طبق قانون، غیبت بیش از یک سال و پایان اعتبار کارتهای شناسایی صادر شده از سوی اسرائیل چنین کاری را غیرممکن می ساخت.

فلسطینی هایی که پیشتر ساکن مناطق اشغالی بودند، برای بازگشت مجدد باید هزینه ای سنگین را متحمل می شدند. بعلاوه، پس از جنگ ۱۹۶۷، دیگر کشورهای خاورمیانه، بویژه اردن، لبنان و مصر، چندانی تمایلی به پذیرش آنها نداشتند. این کشورها عمدتاً از ملی گرایی فلسطینی ها، بویژه با گرایشهای تروریستی، نگران بودند.

بدین ترتیب، گروهی از فلسطینی های تحصیل کرده در صدد تأسیس مؤسسات آموزش عالی ویژه مناطق اشغالی برآمدند.

فارغ التحصیلان فلسطینی هر چند ظرف ربع قرن اخیر، دست به اقدامات درخشانی زده اند، اما در کل بدون کمک و پشتیبانی فلسطینی ها و خارجی ها نمی توانستند موفقیت زیادی کسب کنند.

دانشجویان نخست باید در امتحاناتی به نام «توجیهی» شرکت کنند. آنها پس از پایان دوره دبیرستان و پذیرفته شدن در این امتحانات به دانشگاه راه می یابند. اسرائیل و اردن به طور قانونی این امتحانات را در بیشتر مناطق کرانه غربی برگزار می کنند. در غزه نیز تا پیش از عقب نشینی اسرائیل (۱۹۹۴) این گونه امتحانات برگزار می شد. سوالات امتحانی را فلسطینی ها طرح و تصحیح می کنند. علاوه بر این، در ۱۹۹۳، ۸۵۰۰ نفر به عنوان دانشجو در دوره های دو ساله (فوق دیپلم) در دانشگاههای سرزمینهای اشغالی پذیرفته شدند.

از ۱۹۶۷ با اشغال بخش اعظم سرزمین فلسطین، فلسطینی ها برای رفت و آمد به کرانه غربی و نوار غزه با موانعی مواجه شدند. در حالی که تا پیش از این تاریخ بیشتر آنها در دانشگاههای سوریه، لبنان و مصر (همانند اروپا و ایالات متحده آمریکا) تحصیل می کردند. به همین دلیل نیز کمتر تمایلی برای برنامه ریزی نظام آموزش عالی وجود داشت. با اشغال کرانه غربی و نوار غزه از

تاکنون، عمده پستی‌بانان مالی آنها از حوزه خلیج فارس و مراکز اسلامی بوده‌اند. در حقیقت، تنها با کمک مالی آنها دانشگاه‌های فلسطینی توانسته‌اند تا حدودی از افزایش شهریه‌های خود جلوگیری کنند. البته، ادامه این وضع در آینده بویژه در پی کاهش چشمگیر منابع مالی و انتفاضه و

جنگ خلیج فارس بعید به نظر می‌رسد. به همین دلیل نیز از ۱۹۹۳ این دانشگاه‌ها بتدریج بر هزینه‌های اجرایی (۲۰ درصد) و شهریه خود (۵۰ درصد) افزوده‌اند. دانشگاه بیرزیت حتی از مرز ۵۰ درصد افزایش نیز فراتر رفته و شهریه‌اش را برای دانشجویان ورودی هر سال دو برابر کرده است.

در حقیقت، اسرائیل اجازه تأسیس دانشگاه در فلسطین را مشروط بر خاتمه انتفاضه کرده است؛ حتی طرحی برای مجازات تدریس غیرمجاز (۱۰ سال زندان) در نظر گرفته است. همچنین ادامه فعالیت این دانشگاه‌ها را مشروط به عدم بروز اغتشاش و هرج و مرج در آنها کرده است.

طی دهه ۷۰، گروهی از اسرائیلی‌ها بر این عقیده بودند که دانشگاه‌های فلسطینی ابزار مناسبی برای آموزش فلسطینی‌های جوان

به منظور جاننشینی اعضای سازمان آزادی‌بخش فلسطین است. همچنین گروهی معتقد بودند که ایجاد هرگونه فرصت تحصیلی برای فلسطینی‌ها در مناطق اشغالی موجب کاهش جاذبه مراکز آموزش عالی در اتحاد جماهیر شوروی خواهد شد.

شاید مهم‌ترین دلیل وجودی دانشگاه‌های فلسطینی، فراهم کردن فرصت برای مراکز جاسوسی اسرائیل به منظور پیش‌بردن خط‌مشی‌های برنامه‌ریزی شده و بروز انحراف سیاسی در بین مردم فلسطین باشد.

جو حاکم بر این دانشگاه‌ها بخصوص طی دهه ۸۰، تا حدودی حکایت از این امر دارد. همچنین ممکن است اسرائیلی‌ها از طریق این دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی تا حدودی بر جامعه فلسطینی نظارت داشته و میزان انزجار و مخالفت آن را مورد توجه قرار دهند.^۴

دانشگاه‌ها، اسرائیل و فلسطینی‌ها

از آغاز تأسیس دانشگاه‌های فلسطینی، آنها همواره موضوع شدیدترین

دانشگاهها و گرایش به سوی افراط گرایی و انجام عملیات تروریستی را برعهده دارد.^۷ یک سال قبل از آغاز انتفاضه، یوال نعمان، رهبر حزب «تحیه» و رئیس سابق دانشگاه تل آویو، بر تعطیل دانشگاههای فلسطینی اصرار ورزید.^۸ در اوایل ۱۹۹۰، سرکنسول اسرائیل در نیویورک در خصوص دانشگاههای فلسطینی گفت: «به تجربه ثابت شده که از مؤسسات آکادمیک صرفاً به عنوان مرکز عملیات براندازی حکومت اسرائیل استفاده می شود.» وی همچنین دانشگاهها را به تحریک و رهبری عملیاتی که در دسامبر ۱۹۸۷ برضد حکومت اسرائیل انجام شد، متهم کرد.^۹ در عمل نیز دانشگاه بیت لحم قبل از آغاز انتفاضه تعطیل شد. دیگر دانشگاههای فلسطینی نیز پس از ۲ ماه تعطیل شدند.

به هر تقدیر، فلسطینی ها به گونه ای دیگر می اندیشند. برای آنها اشغال گران اسرائیلی همه جا حضور دارند و این خود آغاز هر رویارویی است. داود کتاب، روزنامه نگار فلسطینی، می نویسد: «مرحله بعد رویارویی با سیاست است. این مهم نیست که شما سیاسی نیستید؛ چون شما مجبورید یک فکر،

بحثها در اسرائیل بوده اند. برخی اسرائیلی ها بر این نکته اصرار می ورزند که هدف مراکز آموزشی در فلسطین صرفاً سیاسی است؛ زیرا از نظر عملی در سطحی پایین قرار دارند. در حالی که فلسطینی ها عکس این ادعا را مطرح می کنند. البته، هر دو طرف اذعان دارند که دانشگاههای فلسطینی از سوی سازمان آزادی بخش فلسطین حمایت مالی می شود.

اسرائیلی هایی نظیر «میجر الیس شازار»، سخنگوی دولت خودگردان کرانه غربی، در خصوص مؤسسات آموزش عالی فلسطینی در سرزمینهای اشغالی، آنها را نه به عنوان دانشگاه، بلکه نهادهای سیاسی وابسته به سازمان آزادی بخش فلسطین تلقی می کنند.^۵ در حقیقت، میجر شازار این بحث را مطرح کرده است که دانشگاههای فلسطینی مرکز فعالیتهای سازمان آزادی بخش فلسطین^۶ و نیز تعلیم دهنده کادر رهبری عملیات ضد اسرائیلی است. بر همین اساس، بنیامین نتانیا هو، رهبر حزب لیکود، می گوید که سازمان آزادی بخش فلسطین هدایت کلیه فعالیتها، به منظور اخلال در هدفهای عملی

آرمان و گرایش سیاسی داشته باشید... عامهٔ مردم و قشر متوسط ساکن سرزمینهای اشغالی که مشکلات زیادی دارند، به هیچ وجه بحث و جدل، یا توافق و مخالفت برایشان مهم نیست. آنها از چیزی با خبر و مطلع می‌شوند که خوشحال کننده باشد.^{۱۰} موفقیت جراح فلسطینی، دکتر شوقی حرب از بیمارستان رام‌الله، در انجام اولین عمل جراحی قلب باز در سرزمینهای اشغالی نشان می‌دهد که چطور سیاست حتی در آشکارترین مسائل غیرسیاسی نیز گسترش یافته است. در سرمقالهٔ روزنامه‌ای، به منظور قدردانی از دکتر حرب آمده بود: «این عمل نشان داد که نسل فلسطینی‌عاری از هرگونه خوی آدم‌کشی است. فلسطینی‌ها خواهان همدردی جهان نیستند. آنها مصرانه خواستار کسب حقوق حقهٔ خود هستند. بر همین اساس، موفقیت در عمل پزشکی به مثابه پیروزی در عرصهٔ نظامی، سیاسی و حتی دیپلماتیک است.»^{۱۱}

در دانشگاه‌های فلسطینی مثل سایر دانشگاه‌ها تحصیل علم با سیاست، بخصوص در رشته‌های علوم انسانی، در آمیخته است. اما این لزوماً به معنای کاهش سطح علمی

دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی و تحقیقاتی نیست. به هر حال، این سؤال مطرح است که آیا تعصبات سیاسی مانع آزادی فکر و اندیشه می‌شود؟ آیا باعث انحراف استادان از مباحث علمی و تحقیقاتی می‌گردد؟ آیا سبب محروم شدن دانشجویان از چارچوبهای قابل قبول و استاندارد نظام آموزشی می‌گردد؟ استادان فلسطینی به کلیهٔ این پرسشها پاسخ منفی می‌دهند. برناد سابل، از دانشگاه بیت لحم، تأکید می‌کند: «ما در کلاسهای خود مبلغ و مروج نیستیم.» وی همچنین می‌گوید: «بسیاری از ما بر واقع‌گرایی تأکید می‌کنیم، بخصوص وقتی که در مورد اسرائیل و اشغال سرزمین فلسطین بحث می‌کنیم. آموزش سیر تکاملی خود را طی می‌کند و چنانچه کسی نخواهد بخشی از واقعیات موجود جهان را درک کند، راه به جایی نخواهد برد.»^{۱۲} پروفیسور سابل در ادامه می‌گوید: «نه تنها استادان، بلکه دانشجویان نیز با مطالعهٔ کتابهایی که یهودیان در باب اسرائیل، فلسطین و اعراب نوشته‌اند، مخالف هستند.»

دانشگاه بیرزیت به عنوان مهم‌ترین

پایگاه سازمان آزادی بخش فلسطین، همواره

تحت نظر اسرائیلی هاست. سمیر الصبحات، رئیس شورای دانشجویی، معتقد است یک راه حل سیاسی که نیاز به جدایی ملت نباشد، قابل قبول است. اما این تنها با توسعه و رعایت کامل حقوق بشر از سوی اسرائیل میسر است.^{۱۳}

در اوایل ۱۹۸۷، آلبرت آقازاریان، رئیس روابط عمومی دانشگاه بیرزیت، تأکید کرد که دانشگاه‌های فلسطینی به آسانی نمی‌توانند از سیاسی شدن آموزش پیروی کنند.^{۱۴} به نظر وی، هریک از دانشگاه‌های فلسطینی دارای تشکلهای و گرایشهای سیاسی خاص خود هستند. وظیفه مدیریت نیز تنها حمایت و تبعیت از حداکثر آزادی برای بحث است، تا زمانی که حداقل آزادی‌های مدنی تأمین شود و هریک از اعضای تشکلهای دانشگاهی و استandarهای علمی و شیوه‌های مدیریتی جدید توسعه یابد.^{۱۵}

موانع موجود بر سر راه آزادی و کیفیت

علمی دانشگاهها

از ۱۹۸۰، موضع اسرائیل نسبت به امور سیاسی در قبال آزادی محیط دانشگاه،

سهم عمده‌ای در شدت گرفتن مباحثات سیاسی- که در دانشگاه‌های فلسطینی دارای برجستگی خاصی می‌باشد- داشته است. بدین ترتیب، حفظ کیفیت علمی در دانشگاهها مشکل تر شده است. به عنوان مثال، صدور فرمان ۸۵۴ ارتش اسرائیل (۵ ژوئیه ۱۹۸۰) که «دفتر نظامی امور تحصیلی» را جایگزین وزارت آموزش و پرورش کرد. بدین ترتیب، ارتش اسرائیل با اختیارات کامل مسئول برقراری نظم در دانشگاههای فلسطینی شد.

فرمان ۸۵۴ به اسرائیلی‌ها قدرت زیادی برای نظارت بر فعالیت دانشگاههای فلسطینی داد. این اختیارات شامل قوانین مربوط به صدور عادلانه مدارک، نظارت بر رشته‌ها و سرفصل دروس، پذیرش دانشجو، استخدام یا اخراج استاد بود. براساس این فرمان، کلیه اعضای هیئت علمی باید ضمن امضای درخواست نامه مربوط به صدور اجازه کار، اعلام عدم ارتباط با هرگونه سازمان مخالف رژیم اسرائیل می‌کردند.

بیشتر اعضای هیئت علمی از امضای چنین درخواستی امتناع کردند و اعلام

داشتند که آنها ناگزیر از حمایت یک جریان سیاسی خاص هستند. در پی این اقدام، ارتش اسرائیل شروع به اخراج استادان کرد. در پاییز ۱۹۸۲ تعداد ۱۸ استاد دانشگاه النجاج و نیز رئیس دانشگاه، دکتر مانتیتر صلاح بزور اخراج شدند. نتایج حاصل از این فرمان به طور گسترده در اسرائیل و در سطح جهان منعکس شد. ۲۰۰ نفر اسرائیلی نیز ضمن امضای نامه‌ای اعتراض خود را نسبت به این اقدام اظهار داشتند. این اقدام را جرج شولتز، وزیر امور خارجه آمریکا، نیز مورد انتقاد قرار داد. در ۱۹۸۱، کمیته (ad hoc)، ویژه استادان اسرائیلی دانشگاه عبری، فرمان نظامی ۸۵۴ را نقض آشکار آزادی در دانشگاه تلقی کرده، آن را مورد انتقاد قرار داد. این کمیته اعلام داشت: «این فرمان چارچوبی مناسب برای به نظم درآوردن دانشگاهها نیست؛ وضع چنین قوانینی بی معناست؛ چرا که این نوع قوانین سابق بر این نیز در عمل اجرا می شد و نیازی به فرمان ۸۵۴ نبود.^{۱۶} احتمالاً در پی این اعتراضات بود که ارتش اسرائیل در ۱۹۸۲ فرمان نظامی ۸۵۴ را به حال تعلیق در آورد. ولی یک سال

بعد، بیانیه‌ای در خصوص درخواست صدور اجازه کار انتشار داد که خود حاکی از آن بود که فرمان ۸۵۴ هنوز لغو نشده است. البته، در ۱۹۹۰، اسرائیل بار دیگر تصمیم خود مبنی بر اجرای فرمان نظامی ۸۵۴ را اعلام کرد. در ۲۸ ژوئن ۱۹۹۰، مقامات اسرائیلی به کمیته دانشگاهی، دانشگاه نیمه دولتی النجاج در کرانه غربی، در شهر نابلس، سندی ارائه دادند که آشکارا براساس قانون شماره ۱۶ اردن تنظیم شده بود. این سند که به زبان عربی بود، حاوی مجوز تشکیل مؤسسات خصوصی آموزشی برای سال تحصیلی ۱۹۹۰-۱۹۸۹ بود. این سند را دکتر فوزال کمال، مسئول امور آموزشی کرانه غربی، امضا کرد. مرکز آموزشی النجاج یکی از مؤسساتی است که در سطح فوق دیپلم با کسب مجوز از اسرائیل در نیمه اول سال ۱۹۹۰ تأسیس شد. این سند در نوع خود فرمان نظامی ۸۵۴ را با الگویی فریبنده تر تحمیل می کرد. مقام اجرایی و مدیر مؤسسه مسئولیت کلیه اقدامات انجام شده از سوی دانشجویان و استادان را طی مدت زمان ممنوعیت هرگونه اقدام، چه در داخل و چه

- در مجاورت مؤسسه، برعهده دارد:
۱. اخلال در نظم عمومی، شرکت در تظاهرات یا راهپیمایی های بدون مجوز قبلی از سوی مقامات صلاحیتدار؛
۲. برپایی گردهمایی و نمایشگاه در زمینه ای خاص و با ماهیت سیاسی ویژه، بدون کسب مجوز قبلی از سوی مقامات صلاحیتدار؛
۳. تهیه، چاپ و نشر هرگونه نشریه ای که از سوی اداره سانسور ممنوع اعلام شده باشد یا چاپ نشریه ای که هدفش تحریک و اخلال در نظم عمومی باشد؛
۴. هرگونه تخطی از فرمان نظامی شماره ۱۰۱ (۵۷۲۷-۱۹۶۷) که مربوط به تحریک و تبلیغات خصومت آمیز در کرانه غربی است؛
۵. مقام اجرایی و مدیر مؤسسه هیچ استاد، سخنران یا کارمند اداری را که ساکن کرانه غربی نباشد، استخدام نخواهد کرد، مگر با ارائه اجازه کاری که بر طبق قانون از سوی مقامات مسئول صادر شده باشد؛
۶. مقامات اجرایی و مدیر مؤسسات، قانوناً موظف اند از پذیرش دانشجویان اخراجی از منطقه کرانه غربی خودداری کنند، مگر در صورت ارائه مجوز اقامت و تحصیل در منطقه که از سوی فرماندهی منطقه صادر شده باشد؛
۷. مقامات موظف اند برای مأمور و بازرس آموزشی کلیه موارد زیر را تهیه کنند: الف) گزارش مالی شامل درآمدها و هزینه ها با ذکر اقلام؛ ب) فهرست منابع و ذخایر مالی مؤسسه و برنامه های مورد نظر برای تأمین هزینه ها؛ پ) فهرست کامل نام استادان، دانشجویان و کارکنان با ذکر تمام جزئیات مندرج در پرونده استخدامی؛ ت) دیگر اطلاعاتی که ممکن است درخواست شود.
۸. مقام اجرایی مؤسسه ضمن نشان دادن حسن نیت و قبول این گونه وظایف، با رعایت کلیه مفاد فرمان نظامی ۸۵۴ که دارای هدفهای آموزشی نیز هست، به ارتقای مقام خود کمک خواهد کرد.
۹. باید از قبل مجوز برای سایر موارد از جمله افزایش کلاسها، دانشجویان و استادان اخذ شود؛

۱۰. بر طبق قانون، مقام اجرایی مؤسسه به هیچ عنوان مجاز نخواهد بود تحت فشار استادان، دانشجویان یا کارکنان مفاد اصلی فرمان را نادیده بگیرد.

۱۱. تخلف و تخطی از فرمان جز با اجازه رسمی مجاز نیست.

به طور مشخص، ارتش اسرائیل این شیوه را به منظور تحکیم نظارت سیاسی بر دانشگاه النجاج اتخاذ کرده است.

به هرتقدیر، دانشگاه‌هایی که حاضر شدند نظارت اسرائیل را بپذیرند، به طور گسترده از دخالت مستقیم در نظام آموزش عالی فلسطین خودداری کردند.

کیفیت علمی دانشگاه‌ها

سطح علمی مربیان و استادان در دانشگاه‌های فلسطینی تفاوت عمده‌ای با سطح علمی پرفسورها و استادان بسیاری از دانشگاه‌های متوسط، غیر تخصصی و هنری آمریکا ندارد.

برحسب آمار موجود، تمام دانشگاه‌های فلسطینی ظرف ۱۵ سال گذشته دارای هیئت‌های علمی با مدرک معتبر از دانشگاه‌های جهان هستند.

هم اکنون، دانشگاه‌های فلسطینی و نیز سایر مؤسسات غیرتخصصی رسالت خود را دریافته‌اند. به عنوان مثال، آنها تدریس و ارائه خدمات آموزشی به تشکلهای خویش را بر امر تحقیق و انتشار پژوهش‌های خود ترجیح می‌دهند. با وجود این، تحقیقات دانشگاهی استادان در دانشگاه‌های فلسطینی به طور انفرادی صورت می‌گیرد که معمولاً با پشتوانه اندک مالی همراه است. در این زمینه، دانشگاه بیرزیت به طور مشخص پیشگام بوده است. در ۱۹۸۸-۱۹۸۹، استادان دانشگاه بیرزیت اقدام به انتشار حداقل ۲۵ عنوان تحقیق در مجلات علمی و تخصصی کردند. تنها در آوریل ۱۹۹۰، ۳۰ عنوان تحقیق منتشر شد.^{۱۷} طی

۱۹۹۲-۱۹۹۳، حداقل ۱۱ عنوان دیگر ارائه شد.^{۱۸} حداقل بین ۱۹۹۰-۱۹۸۸، استادان دانشگاه بیرزیت ۸ عنوان کتاب به زبانهای انگلیسی و عربی منتشر کردند:

سرمایه تاجر و اسلام از محمود ابراهیم، سخن پرنده، سخنی دوباره، قصه‌های محلی عربی فلسطینی^{۱۹} از شریف کانانا و ابراهیم مو آویز، بنیادگرایی اسلامی در کرانه غربی و نوار غزه از زید ابوعمر و که در

سرمایه تاجر و اسلام از محمود ابراهیم، سخن پرنده، سخنی دوباره، قصه‌های محلی عربی فلسطینی^{۱۹} از شریف کانانا و ابراهیم مو آویز، بنیادگرایی اسلامی در کرانه غربی و نوار غزه از زید ابوعمر و که در

سرمایه تاجر و اسلام از محمود ابراهیم، سخن پرنده، سخنی دوباره، قصه‌های محلی عربی فلسطینی^{۱۹} از شریف کانانا و ابراهیم مو آویز، بنیادگرایی اسلامی در کرانه غربی و نوار غزه از زید ابوعمر و که در

سرمایه تاجر و اسلام از محمود ابراهیم، سخن پرنده، سخنی دوباره، قصه‌های محلی عربی فلسطینی^{۱۹} از شریف کانانا و ابراهیم مو آویز، بنیادگرایی اسلامی در کرانه غربی و نوار غزه از زید ابوعمر و که در

۱۹۹۴ به چاپ رسید.^{۲۰}

به تاریخ فلسطین کرده است. این دانشگاه در حال حاضر، طرحی برای ترجمه تحقیقات موجود (عبری و انگلیسی) در زمینه تاریخ عرب و فلسطین به زبان عربی دارد. کتابخانه این مرکز حداقل دارای ۲۱۳ پایان نامه دکتر در زمینه اسلام و جهان عرب است. دانشگاه النجاج همچنین دارای نشریه ای به نام *Journal of Research* است.

نه تنها دانشگاه اسلامی غزه، بلکه دانشگاه الازهر غزه نیز دارای تعداد زیادی دستاورد تحقیقاتی است. جو نامطلوب حاکم بر نوار غزه، اجازه توجه بیشتر به تحقیقات و پژوهش را نمی دهد. از اواسط دهه ۸۰، دانشگاه اسلامی غزه برنامه گسترده ای را برای حفظ و صیانت تاریخ و عادات و رسوم فلسطینی آغاز کرده است. همچنین اقدام به انتشار نشریه ای به نام *Islamic University Research Review* کرده است.

دانشگاه بیت لحم از سوی برادران «دلاسالح» زیر نظر واتیکان و با هدف خدمت به جامعه فلسطینی در جهت بازداشتن جوانان فلسطینی از مهاجرت به کرانه غربی تأسیس شد. به همین دلیل، در جهت جذب هیئت

تحقیق و پژوهش تنها نشانه قدرت و توان علمی و فکری دانشگاه بیرزیت نبوده است، بویژه که این دانشگاه خود مجله ای تخصصی به نام *Birzeit Research Review* منتشر می کند که به تازگی نام آن به آفاق الفلستینیه، تغییر یافته است. این مجله کاملاً بر طبق ضوابط موجود به چاپ می رسد.

همچنین این دانشگاه مرکزی برای بهداشت محیط زیست در سرزمینهای اشغالی و کنترل کیفیت آب و تهیه دارو دایر کرده است. آزمایشگاه انگل شناسی این دانشگاه نیز اپیدمی انگلی کودکان در سطح مدارس را مورد توجه قرار داده است. همچنین بیرزیت طی تابستان ۱۹۹۳ مبادرت به برگزاری ۲ کنفرانس بین المللی کرده است: «سمپوزیوم ریاضیات» و «فلسطین، جهان عرب و ظهور نظام بین المللی؛ ارزشها، فرهنگ و سیاست».

در دانشگاه النجاج، میزان تحقیقات و انتشارات به نسبت در سطح پایین تری است. این دانشگاه عمدتاً تحقیقات خود را منحصر

علمی کارآمد و آشنا به مسائل جامعه فلسطینی اقدام کرد. در حال حاضر، این دانشگاه دارای محققان و استادان مستقلی چون برنارد سابلا، جامعه شناس، مانوئل حساسیان، استاد علوم سیاسی است.

حال از سوی مقامات اسرائیلی تعطیل نشده است؛ ولی از دسامبر ۱۹۸۷ تا مه ۱۹۸۸ به منظور حمایت از انتفاضه خود را داوطلبانه تعطیل اعلام کرد.

موفقیت فارغ التحصیلان فلسطینی در

دانشگاههای آمریکایی

تدریس

پروفسور امیل ساحلیه، استاد علوم سیاسی که پیشتر در دانشگاه بیرزیت تدریس می کرده و در حال حاضر استاد دانشگاه تگزاس آمریکاست، سطح علمی دانشجویان دانشگاه بیرزیت را در پایین ترین سطح مطلوبیت می داند. پروفسور عزت کورانی، استاد اقتصاد دانشگاه بیرزیت، معتقد است که دانشجویان ممتاز بیرزیت با دانشجویان دانشگاه تگزاس قابل مقایسه هستند.^{۱۸}

مؤسسات خارجی تاکنون نقش به نسبت مهمی برای تربیت دانشجویان در مقطع آموزش عالی بازی کرده اند. از جمله این مؤسسات می توان بنیاد آموزشی و تحصیلی آمریکا-خاورمیانه (AMIDEAST) را نام برد. این مؤسسه طبق ضوابط اقدام به اعطای بورس تحصیلی به دانشجویان عرب فلسطینی می کند. دانشجویان نیز طبق ضوابط موجود از بین دانشجویان مؤسسات آموزش عالی فلسطین، گزینش و برای تحصیل در این مؤسسه به آمریکا رهسپار می شوند. تا کنون، بسیاری از دانشجویان فلسطینی از حمایت مالی برای تحصیل در آمریکا برخوردار شده اند.

کالج زنان عرب شاخص ترین مؤسسه غیرتخصصی برای مسلمانان است. این کالج با ۱۴ عضو تمام وقت هیئت علمی و نزدیک به ۲۵۰ نفر دانشجو به دلیل واقع شدن در بیت المقدس شرقی (ضمیمه شده به اسرائیل در ۱۹۶۷) تحت سرپرستی ناظران قانونی اسرائیل است. کالج زنان عرب تا به

نتیجه

برای فلسطینی ها تحصیلات عالی

به عنوان جدی ترین فعالیت مطرح است. در واقع آنها تحصیلات عالی را نوعی سرمایه گذاری که نمی توان آن را مصادره کرد، تلقی می کنند. آنها خود را ملزم به انجام کاری کرده اند که دستاورش چیزی جز ارتقای سطح علمی جوانان کرانه غربی و نوار غزه نیست. دانشگاههای فلسطینی به عنوان ابزاری در جهت گسترش فعالیتهای سیاسی و حمایت از سازمان آزادی بخش فلسطین عمل می کنند. آنها از ایجاد یک داد.

آنتونی سولیوان، ترجمه علیرضا

سلطانشاهی و علیرضا رضوی

حکومت مستقل فلسطینی پشتیبانی می کنند. تاکنون، دانشگاههای فلسطینی ناگزیر از تظاهر به همراهی با برخی چهره ها و مقامات ملی و محلی بوده اند تا شاید از این راه بتوانند محدودیتهای موجود در مؤسسات آموزشی اراضی اشغالی را با احراز مقامی بالاتر کاهش دهند. به عنوان مثال، سالها بسیاری از مسئولان، استادان و مدرسان دانشگاهها به عنوان مهم ترین نمایندگان در مذاکرات با مقامات اسرائیلی و خارجی شرکت داشته اند. غالباً به نظر می رسد که فعالیت سیاسی در دانشگاهها بیشتر به منظور برانگیختن است، نه سازش. همواره دستیابی به سطوح عالی علمی و کمک به

سطوح علمی بر اساس تعداد استادان تمام وقت دانشگاه‌های فلسطینی (۱۹۸۶-۱۹۴۸) ^۱			
مؤسسه	مدرسان تمام وقت	پذیرش دکترا	استادان
بیرزیت	۲۰۶	۹۷	۷۹
بیت لحم	۹۰	۲۸	۴۶
النجاح	۱۹۷	۹۲	۷۲
الخلیل ^۲	۵۰	۱۸	۲۸
القدس ^۳	۱۴۶	۳۷	۵۴
اسلامی غزه	۱۶۲	۳۳	۴۷

۱. تمام اطلاعات فوق مربوط به سال تحصیلی ۱۹۸۶-۱۹۸۵ است. البته، بجز دانشگاه اسلامی غزه که مربوط به سال تحصیلی ۱۹۸۵-۱۹۸۴ است.

۲. سطح پایین آمار مربوط به دانشگاه الخلیل خود دلیل اصلی بی‌توجهی به امور این دانشگاه است.

۳. دانشگاه القدس دارای ۴ مؤسسه مختلف است. بنابراین، در محاسبه باید هدفها را محتاطانه مورد توجه قرار داد. کالج زنان عرب قدس و مؤسسه غیر تخصصی، دارای ۱۴ استاد است که همگی دارای مدرک دکترا هستند.

پذیرفته شدگان تحت حمایت خدمات آموزشی و تحصیلی آمریکا - خاورمیانه					
مؤسسه	نامزدهای AMIDELEAST	مدارج تکمیلی	مدارج پیشرفته	ترك تحصیل کنندگان بی مدرک	میانگین
بیت لحم	۴۱	۳۴	۶	۱	۳,۶۹
بیرزیت	۹۷	۸۹	۱	۷	۳,۶۴
النجاح	۸۵	۷۵	۵	۵	۳,۵۲
اسلامی غزه	۲۷	۱۲	۱۱	۴	۳,۳۵
جمع	۲۵۰	۲۱۰	۲۳	۱۷	۳,۵۵

با توجه به جدول بالا، می‌توان در خصوص نحوه عملکرد AMIDELEAST ادعا کرد که عدم موفقیت دانشجویان در این مؤسسه صرفاً ناشی از مشکلات تحصیلی بوده است.

یادداشتها:

Discord on West Bank, "Boston Globe, 26 April, 1985.

6. Francisx. Clines, "Israelis Holding a U.S. Professor," *The New York Times*, 26 February, 1987.

۷. در این مورد نگاه کنید به:

Netanyahu's Statement to the United Nations Security Council, 5 December, 1986, p. 2.

این بیانیه را وزارت امور خارجه اسرائیل منتشر کرده است.

۸. در این مورد نگاه کنید به:

Wilkie, "Outcry Follows Israeli Army Gunfire," *Boston Globe*, 15 December, 1986.

9. *Policy Background*, February 1990, p. 2.

۱۰. در این مورد نگاه کنید به:

Daoud Kuttab, "After the Honey Moon," *New Outlook*, August 1986, pp. 11-12.

11. *Al-Fajr* (English edition), 30 January, 1987.

۱۲. سایلا خطاب به نگارنده، ۱۶ اوت ۱۹۸۶.

13. Quoted in Clines, F.X., "Israelis Holding a U.S. Professor," *op. cit.*

۱۴. در این مورد نگاه کنید به:

Said Al-Ghazali, "Closure of Universities Seen as Never-Ending," *Al-Fajr* (English edition), 15 January, 1990.

۱۵. در این مورد نگاه کنید به:

Aghazarian, A., Letter, *Jerusalem Post*, 11 March, 1985.

16. Quoted from Deborah J. Gerner, "Israeli Restrictions on the Palestinian Universities in the Occupied West Bank and Gaza," *Journal of Arab Affairs*, VIII, 1 (1989), pp. 95-96.

۱۷. در این مورد نگاه کنید به:

Birzeit Universities Newsletter, March 1989, pp. 1-8; *Ibid.*, April 1990, pp. 8-11.

18. *Ibid.*, September 1993, p. 15.

۱۹. از سوی انتشارات دانشگاه تگزاس در ۱۹۹۰ و انتشارات دانشگاه کالیفرنیا در ۱۹۸۹ منتشر شده است.

20. Bloomington: Indian University Press.

۱. برای تحقیقات منتشر شده در این زمینه نگاه کنید به:

Antony T. Sullivan, *Palestinian Universities under Occupation*, Cairo Papers in Social Science, XI.2, Cairo: American University in Cairo Press, 1988, and "Politics and Relevance in Palestinian Higher Education: The Case of Birzeit University," *American-Arab Affairs*, XXVII, Winter 1988-89, pp. 58-69.

همچنین نگاه کنید به:

Lynne Rosengrant Franks, *Israel and the Occupied Territories: A Study of the Educational Systems of Israel and the Occupied Territories and a Guide to the Academic Placement of Students in Educational Institutions in the United States*, Washington D.C.: United States Information Agency, 1987.

به دلایل نامعلوم این کتاب ارزنده پس از مدت کوتاهی جمع آوری شد. برای به دست آوردن آن تنها می توان به میکروفیلیمهای بین المللی دانشگاه مراجعه کرد.

۲. در حقیقت، دانشگاه الازهر غزه، در نتیجه تنش میان حماس و فتح، با استعقای ۱۶ تن از اعضای علمی دانشگاه اسلامی غزه به وجود آمد. تا اوایل ۱۹۹۴ تنش میان این دو گروه، در دانشگاه اسلامی غزه ادامه یافت. اما همه اینها بر دانشگاه الازهر غزه تأثیری نداشت. در ضمن، برای این اطلاعات مدیون پروفسور چارلز ای. بوتوروس هستم.

۳. برای مسئله عربیت نگاه کنید به:

Varsen Aghabekian, "Perception of Effectiveness Indicators for the Development of an Instrument for Evaluating Colleges and Universities on Occupied West Bank," Unpublished Dissertation, University of Pittsburgh, 1986, esp. pp. 142-143.

۴. این دیدگاهها بر اساس گفتگوهایی است که نویسنده طی ۱۹۹۰-۱۹۸۶ با استادان و صاحب نظران فلسطینی و اسرائیلی کرده است.

5. Curtis Wilkes, "Universities are Subject of